هو الابهی - ای ناظر به جمال ابهی از خدا بخواه که در…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٦٤

### هو الابهی

ای ناظر به جمال ابهی از خدا بخواه که در اين زمان امتحان که ارياح افتتان از جميع جهات چون زوابع ريشه‌ کن در هبوبست در پناه عهد و پيمان رحمن چون بنيان مرصوص ثابت و محکم و استوار مانی چه که بسا اشجار قطور از اين صرصر غدور چون اعجاز نخل خاويه از اصل و ريشه برافتادند و ابداً ملتفت نيستند بلکه چنان گمان کنند که در نهايت استقامت سر به آسمان کشيده‌ اند و آمال و آرزويشان که چون سراب بقيع است ميسّر نگردد. سراب شراب نگردد و اسرار خفيّه وهميّه آخر شب نور صبحدم نشود. جميع احبّای الهی می‌دانند و در جميع الواح و زبر ربّانی خوانده و می‌ خوانند که از ذکر ذرّه‌ای اختلاف جمال مبارک روحی لاحبّائه فداء چنان برمی‌افروختند که وجه مبارک تغيير می‌ کرد و هر يک از اشخاص موجوده البتّه صد مرتبه به گوش خويش از فم مطهّر شنيده‌اند که به کرّات به کمال تأثّر می‌ فرمودند من اگر ببينم که امر اللّه سبب اختلاف ميان دو نفس می‌شود از امر اللّه می‌ گذرم. حال با وجود آن نصوص الهيّه و آن بيانات فم مطهّر و آن آه و ناله و فغان جمال مبارک که واللّه الّذی لا اله الّا هو صخره صمّاء آب می‌ شد ملاحظه فرمائيد که چه نغمه‌ های سرّيّه پيدا شده است. يا سبحان اللّه ذرّه‌ای رحم در قلوب نمانده. جميع خارجی‌ ها بر بلايا و محن و رزاياء و ابتلای اين عبد تأسّف می‌ خورند و دعای طلب نصرت و تأييد می‌ کنند لکن از احبّاء است که زخم بر جگرگاهست و همچو گمان نمی‌ کنم که کسی سبب ذرّه‌ ای اختلاف در امر مبارک شود خواه سرّی و خواه جهری و خير ببيند، عن‌ قريب معلوم خواهد شد و هذا وعد غيرمکذوب. رفاقت سبب سستی و رخاوت در عهد و ايمان و پيمان الهی گشته. از بس محزون و دلخونم بی‌ اختيار به جهت آن نهال بوستان الهی درد دل می‌ نمايم. عبدالبهاء عباس

در خصوص آقا ميرزا حبيب‌اللّه چون دو سالست به صنعت سرّاجی نزد فرنگی مشغول است و قدری تحصيل کرده است و الآن با جناب ناظر در حيفاست بايد هر دو را ملاقات کنم و جواب نويسم. اگر او ممکن نشد کس ديگر به جهت شما پيدا می‌ نمايم. ع ع